فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۲۱۶-۲۰۳ Vol 3. No 27. 2018, p 203-216
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

تفاسیر غلط و سوء استفاده از ماده ۱۱۰۵ در جهت خشونت خانگی

فهیمه خدابنده لو[۱]. دکتر سوده ناطق نوری*[۲]. دکتر ابوذر ابراهیمی ترکمان[۳]
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی
واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
fa.kh.ba.lu.72@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،
تهران، ایران. مسئول مکاتبات
soudeh_nouri@yahoo.com
۳. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Ab.ebrahimi245@gmail.com

چکیده
از آثار منتج از این ماده حقوقدانان مختلف برداشت‌های مختلفی ارائه نموده‌اند که از جمله‌ی آن می‌توان به امکان ایجاد ممانعت برای اشتغال و رفت و آمد زن، تنبیه او در صورت نشوز، اِعمالِ اقامتگاه (در صورت نبود شرایط استثنائی) تسری نام خانوادگی و امکان ایجاد محدودیت در پذیرش قیمومتِ شخص ثالث بواسطه زوجه اشاره نمود. از این میان برخی از آثار ناشی از این ماده ارتباط چندانی با خشونت خانگی ندارند و در این تحقیق مورد تدقیق واقع نگردیده‌اند. لیکن تلاقی برخی از این آثار (یا حداقل آثارِ سوءِ تعبیر از ماده ۱۱۰۵) به جرأت می‌تواند در نهادینه نمودن خشونت علیه زنان موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: حقوقدان، خشونت خانگی، اشتغال، اقامتگاه.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱- ایجاد محدودیت ناروا در حق اشتغال زوجه

در قوانین موضوعه، به شیوه‌های متفاوت به حق اشتغال زن و حقوق مرتبط با آن اشاره شده است. اصل بیست و یکم، اصل بیست و هشتم و اصل چهل و سوم قانون اساسی از مواردی است که بر این امر صحه گذاشته است.

همچنین در بند ۳ از اصل ۴۳ قانون اساسی، رعایت آزادی انتخاب شغل به طور مطلق یکی از ضوابطی است که اقتصاد جمهوری اسلامی بر آن استوار است. در ماده ۶ قانون کار نیز آمده است: «همه افراد، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون کار قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن تمایل دارد و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حق دیگران نیست، برگزیند».

۱-۱ مسبوق به سابقه بودن اشتغال زنان

در اسلام هیچ آیه یا روایتی زن را از اشتغال منع نکرده (حکیم‌پور ۱۳۸۲، ۲۴۴) و حتی در مواردی، نظیر چوپانی کردن دختران حضرت شعیب، به طور ضمنی اشاره به کار کردن زنان نیز شده است (قصص/ ۲۳)؛ هم چنین از نظر اسلام، زن نسبت به اموال خود حق هر گونه تصرفی را دارد و در این تصرف نیازی به کسب اجازه از همسر یا پدر نیست. آیات قرآن، افزون بر آن که استقلال مالی زن و ارث بردن او را پذیرفته (نساء/۱۲)، مردان را ملزم به پرداخت مهریه به همسران نیز کرده (نساء/ ۲۵) و آن را حقی برای زن دانسته‌است . این حقوق و اموال می‌تواند به عنوان سرمایه‌یی جهت فعالیت‌های اقتصادی زن محسوب شود و بر مبنای آن که خداوند متعال فرموده «برای مردان و زنان از آن چه کسب کرده‌اند بهره‌یی است» (نسا/ ۳۲)، همان‌گونه که مردان اگر چیزی تحصیل کنند، مالک آن می‌شوند، زنان نیز اگر مالی به دست آورند، مالک آن خواهند بود. این آیه، با توجه به این که در آن، حلال بودن اکتساب، یعنی تحصیل درآمد، مفروض گرفته شده و در مورد درآمد حاصل از آن اظهار نظر شد ه است (هادوی تهرانی ۱۳۸۶، ۱۴)، افزون بر پذیرش حق مالکیت برای زنان، جواز اشتغال و اجازه‌ی کار را برای آنان، همانند مردان، اثبات می‌کند. در برخی آیات نیز مردان و زنان تشویق به کار کردن و آباد کردن زمین شده‌اند (که خود نوعی فعالیت اقتصادی محسوب می‌شود) (هود/ ۶۱؛ جمعه/۱۰) و با توجه به این که مردان و زنان به فعالیت اقتصادی دعوت شده‌اند و کار از مصادیق بارز این امر محسوب شده است، می‌توان گفت نه تنها اشتغال برای زنان ممنوع نشده، بلکه امری مورد تشویق و ترغیب قلمداد شده است (هادوی تهرانی ۱۳۸۶، ۱۴).

اشتغال زنان در صدر اسلام نیز امری پذیرفته شده بود و زن در کنار مرد خانواده، برای کمک به خانواده یا ارتزاق، به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداخت. زنانی که صنعت کار نامیده می‌شدند (الصباغ ۱۹۷۵، ۱۲۱)، زنانی که مثل «هند بنت عتبه» و «خدیجه بنت خویلد» تجارت خارجی می‌کردند، و زنانی که امور حسبه (مالی) را بر عهده داشتند (القاسمی ۱۹۷۸، ۲۵۰) (امور حسبه از مهمترین و خطیرترین مناصبی است که شخص می‌تواند در جامعه‌ی اسلامی بر عهده گیرد) از جمله‌ی این زنان‌اند. از دیدگاه اسلام، نقش مهم و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اساسی زن در ساختن اجتماع کوچک خانواده، مانع ایفای نقش او در ساختن جامعه‌ی بزرگ اسلامی، از طریق کار کردن، نیست.

در روایات نقل شده از معصومان نیز کار کردن زن منع نشده و حتی در مواردی خلاف آن مورد پذیرش قرار گرفته است. پیامبر (ص) فرموده‌اند: «کسب درآمد حلال، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است» (محمدی ری‌شهری ۱۳۸۳، ۵:۲۰۵۹)؛ پس از دیدگاه معصومان، کار کردن و کسب روزی حلال نه تنها عبادت است، بلکه قسمت عمده‌یی از عبادات انسان است که در پی کار کردن برای شخص حاصل می شود و منصفانه نیست با منع زنان از امری که قسمت عمده‌ی عبادات را تشکیل می‌دهد، تنها مردان بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

فقهای شیعی نیز، با رعایت شرایط، کار کردن زن در بیرون از منزل را پذیرفته‌اند؛ حتی کسانی چون سیدطباطبایی (طباطبایی یزدی ۱۴۲۷، ۴۷) و سید حکیم (طباطبایی الحکیم ۱۴۰۴ق، ۱۴۲)، فراتر رفته، معتقداند: «اگر زن برای خدمت در مدت معینی، [تعهد و توان خود را] اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت ازدواج کند، اجاره [و تعهد] باطل نمی‌شود؛ حتی اگر خدمت، منافی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد. در این حکم تفاوتی نیست بین این که شوهر در هنگام ازدواج، تعهد زن را بداند یا نداند، زیرا دو حق این جا وجود دارد: حق خدمت و حق شوهر. اگر زن بتواند هر دو را انجام دهد که خوب، و اگر جمع میان آن دو ممکن نباشد و تزاحم کنند، حق پیش تر، که خدمت است، مقدم است؛ چون اگر حقوق شرعی مزاحم هم شوند، ترجیح با حق سابق است. بنابراین، شوهر حق اعتراض یا فسخ تعهد زن را ندارد و همسر، ناشزه محسوب نمی‌شود، اما اگر پس از ازدواج تعهد خدمت دهد و با حق شوهر منافات داشته باشد، بدون اذن و اجازه‌ی شوهر، تعهد خدمت درست نیست. اگر تعهد، با حق شوهر مطلقاً منافات ندارد، مثلاً تعهد قرائت قرآن یا بافتن پیراهن با نخ کاموا یا پشم را بدهد، اجاره [و تعهد] صحیح است؛ حتی اگر شوهر اذن ندهد». (طباطبایی یزدی ۱۴۲۷ق، ۶۷؛ طباطبایی الحکیم ۱۴۰۴ق، ۱۳۰). شیخ طوسی (طوسی ۱۴۱۶ق، ۲۸۶) نیز در خصوص اهلیت تصرف زن در اموال‌ش، که می‌تواند نوعی فعالیت اقتصادی محسوب شود، فرموده است: «با بلوغ دختر و رشد او، اموال اش تحویل او می‌گردد و او مجاز است هر نوع تصرفی در آن معمول دارد؛ چه شوهر داشته باشد یا خیر. در صورت داشتن شوهر نیز تصرف زن در اموال خود نیاز به اذن شوهر ندارد». باید توجه داشت که تصرف زن در اموال خود شامل تصرف برای انجام فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌شود.

در کنار دیدگاه‌هایی که طرح شد، نظر فقهای معاصر نیز در این خصوص قابل توجه است. بنا بر نظر امام خمینی، «شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد» (موسوی خمینی ۱۳۷۱، ۶:۱۸۲) و «زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، هم دوش مردها باشند؛ البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است» (موسوی خمینی ۱۳۷۱، ۱۸:۲۶۴). برخی دیگر از فقهای معاصر نیز با پذیرش حق اشتغال زن، به بررسی فروع این مسأله پرداخته‌اند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲-۱ اشتغال زن و ساختار قدرت خانواده

اشتغال زن را باید در عداد مصادیق حقوق مالی زوجیت و حلقه‌ای ارتباطی در تنظیم اقتدار طرفین نکاح در خانواده دانست که بازتاب دهنده جایگاه هر یک از زوجین در ساختار قدرت در خانواده است. بنابراین، استقلال و مسئولیت مالی به هر یک از طرفین، توانایی حقوقی و واقعی او را برای اعمال قدرت در خانواده افزایش می‌دهد؛ همان‌گونه که کاستن از مسئولیت‌های مالی هر یک از طرفین از توانایی حقوقی و واقعی او در زمینه مذکور می‌کاهد. بر این اساس، نظام‌هایی که بر منع اشتغال و استقلال زوجه و تحمیل مسئولیت‌های مالی اداره خانواده بر زوج تأکید می‌کنند، بیشتر به الگوی ریاستی اداره خانواده تمایل دارند و نظام‌هایی که بر اشتغال و استقلال زوجه تاکید دارند، بیشتر به الگوی مشارکتی اداره خانواده. با این حال، در نظام‌هایی که حاکمیت اراده به مثابه اصل پذیرفته شده بر روابط مالی زوجین به صورت آمره اعمال نمی‌شود، به کارگیری برخی از مکانیسم‌های حقوقی، همانند شرط ضمن عقد، می‌تواند نقش بسزایی در تقویت یا تضعیف ریاست مرد در خانواده ایفا کند. قانون‌گذار ایرانی به ویژه پس از انقلاب، با تشدید مسئولیت‌های مالی زوج از طریق وضع قواعد تکمیلی و حتی آمره و پیش‌بینی شروط ضمن عقد در اسناد نکاحی، خواسته یا ناخواسته، در جهت تحکیم الگوی ریاستی در نکاح دایم گام برداشته است؛ گرچه شاید هدف خودآگاه قانون‌گذار ایرانی از این امر، ظاهراً تدارک نقص نظام‌های حمایت اجتماعی از بانوان در کشور بوده است.

۳-۱ لزوم تخصیص دایره ریاست

مساله اصلی بحث جایی نمود می‌یابد که علی‌رغم پذیرش اصل حق اشتغال برای زن در قانون اساسی، قانون مدنی این امر را با محدودیت‌هایی مواجه کرده و در ماده ۱۱۱۷ به شوهر اجازه داده است که مانع از اشتغال زوجه به حرفه‌ای شود که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت هر کدام از زوجین باشد. ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نیز این حق را برای مرد در نظر گرفته است. در کنار این مساله، مطابق اصول عقلی نیز اشتغال زن ملازمه زیادی با خروج وی از خانه دارد؛ در حالیکه از منظر فقهی نیز خروج زن از خانه، به هر منظوری که باشد، باید با اجازه شوهر صورت گیرد (محقق داماد ۱۳۸۰، ۳۱۶).

در مورد تعارض میان اصل آزادی اشتغال زن در قانون اساسی و حق مخالفت زوج با شغل زوجه در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، باید اذعان کرد که این قوانین هیچ تعارضی با هم ندارند؛ زیرا حکم قانون اساسی مبنی بر آزادی اشتغال، اصل است، ولی حکم قانون مدنی، استثناء و ناظر به شغلی معین می‌باشد که البته در صورت حصول اختلاف، شوهر باید برای مخالفت خود از اشتغال زوجه به شغل معین دلیل ارائه نماید یا اثبات کند که شغل زوجه، منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زوجه است.

پذیرش اشتغال زوجه در حقوق ایران در بادی امر تخصیصی بر نظام ریاستی و ریاست مطلق مرد بر خانواده است که در مواردی از جمله اصل ۲۸ و بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی، مبنی بر لزوم رعایت آزادی شغل به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

طور مطلق و همچنین، ماده ۶ قانون کار بدان اشاره شده است. تحقق اشتغال به عنوان حقی برای زوجه در حقوق ایران، نظام حقوق مالی زوجیت را از نظام ریاستی به سمت نظام شبه مشارکتی سوق داده است؛ اما این به معنای پذیرش مطلق نظام مشارکتی و رد مطلق نظام ریاستی نیست.

نظام مشارکتی زوجیت در حقوق ایران به طور مطلق مورد تصریح واقع نشده است، اما می‌توان آن را در برخی از نظام‌های حقوقی معاصر مثل ماده ۲۱۴ قانون مدنی فرانسه و ماده ۱۶۳ قانون مدنی سوئیس مورد استناد قرار داد که هر یک از زوجین را ملزم به پرداخت هزینه‌های زندگی در حد توانایی خود کرده‌اند. همچنین، در نظام حقوقی کشورهای کامن‌لا، پرداخت هزینه‌های زندگی نیز بر عهده طرفین و وظیفه‌ای دو جانبه است، به نحوی که اصل اشتراک اموال جاری است. البته همان‌گونه که بیان شد، عدم تصریح مطلق نظام مشارکتی در حقوق ایران، به منزله عدم قبول یا رد این نوع نظام مالی نیست؛ زیرا نهادهایی مثل اموال و هزینه‌های مشترک و نیز استقلال مالی زوجین، در کنار حق اشتغال زوجه بر این مهم دلالت دارد.

اثر مهم حقوقی دیگر در رابطه میان حق اشتغال زوجه و ریاست مرد بر خانواده را می‌توان در این فرض مطرح کرد که اگر اشتغال زوجه در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری شرط شده باشد، بر شوهر لازم است که به تعهد خویش در قبال زوجه پایبند باشد. حال اگر در این میان، اختلافی حاصل شود، یا اشتغال زوجه، زندگی خانوادگی را در معرض خطر قرار دهد، راهکار حقوقی چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این فرض مهم، لازم است ضمن پذیرش التزام زوج به شرط ضمن عقد، تنها در صورتی برای او حق منع زوجه از اشتغال را قائل شویم که با حکم دادگاه صالح همراه باشد و اگر هم در این مورد خسارتی متوجه یکی از طرفین شود، باید آن را از باب مسئولیت مدنی مورد ارزیابی قرار داد (دیلمی ۱۳۷۴، ۱۲۲).

۲- تحکم و تحقیر نسبت به زنان

یکی از مواردی که باید آن را به سوء استفاده از ماده ۱۱۰۵ توسط برخی از شوهران نسبت داد، مسئله ریاستِ دستوری و تحکمی است. شکی نیست که تحکیم و تامین سعادت خانواده، وابسته به همکاری، همراهی و همدلی زوجین است. بر این اساس و بر طبق ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، یکی از وظایف زوجه، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد است. لذا هرگاه هر یک از زوجین از انجام تکلیف معاضدت امتناع ورزد، طرف دیگر می‌تواند الزام او را از دادگاه بخواهد. روشن است که زوجه نیز، ملزم به اطاعت و فرمانبری محض نیست. بلکه معاضدت و ایفاء وظیفه وی بنابر مقتضیات زمان و مکان، به مقدار متعارف و در راستای اعتلای اهداف زندگی مشترک خواهد بود.

هرگاه در تعاملات روزمرهٔ زوجین، زوج بنا به هر دلیلی، به خشونت در گفتار متمسّک شود و با دستورات آمرانه و پیاپی، به آزار و اذیت زوجه بپردازد، جدای از امکان الزام زوج به معاضدت، این عمل طبق ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی، مجوز درخواست اجرت‌المثل، به نفع زوجه خواهد بود. مطابق تبصره الحاقی در مورخه ۱۳۸۱/۵/۹، «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

باشد ، به دستور زوج و با عدم قصد تبرّع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید».

توضیح مطلب اینکه، عوض منافع (مال یا عمل غیرتبرعی)، هرگاه در مقابل استیفاء منافع باشد بدون آن که مورد عقد قرار گیرد، اجرت‌المثل نامیده می‌شود. اجرت‌المثل تأسیسی است که از دارا شدن غیرعادلانه زوج از کار زوجه جلوگیری به عمل آورده و از ورود سرمایهٔ کار زوجه به دارایی زوج، ممانعت می‌کند. البته در کتب فقهی برای اجرت المثل، به غیر از دارا شدن غیرعادلانه، به مبانی دیگری از قبیل احترام به عمل انسان، قاعده لاضرر، استیفای منفعت بدون عِوض نیز استناد شده است که توجیه مبانی فقهی اجرت-المثل زوجه نیز محسوب می‌شود.

به ظاهر «اصل عدم تبرّع» در ماده ۳۳۶ با «احراز قصد عدم تبّرع برای دادگاه» در تبصره همان ماده منافات دارد؛ چرا که طبق ماده مذکور ، اثبات غیرتبرّعی بودن در صورت اختلاف، با زوج و طبق تبصره آن، اثبات عدم تبرّع، با زوجه است و دادگاه باید آن را احراز نماید. در مقام حل این تنافی باید گفت که طبق موازین فقهی، قول عامل (زوجه) بدون بیّنه و بنابر اصل عدم تبرّع، مقدم می‌گردد و از همین‌رو، بار اثباتی عدم تبرّع بر عهده زوج خواهد بود و در صورت عجز، دادگاه حکم به محِق بودن زوجه نسبت به مقدار اجرت‌المثل عمل خواهد داد. این امر به نفع زوجه بوده و با اصالهٔ الظهور نیز (مبنی بر اذن صریح یا ضمنی زوج در استیفاء منفعت) موافق است .

بنابر نظریه مشورتی ۷/۶۲۴۳-۱۳۸۶/۶/۱۲، مقررات تبصره الحاقی ماده ۳۳۶ قانون مدنی ارتباطی به طلاق نداشته و (بدون طرح دعوی طلاق) در زمان زندگی مشترک زوجین و یا فوت زوج هم قابل اعمال است.

در این خصوص تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مقرر می‌دارد: «پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدواً از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می نماید. و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی شرطی شده باشد طبق آن عمل می‌شود، در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود: الف) چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرّع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید. ب) در غیر مورد بند «الف»، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید».

این تبصره با تبصره ماده الحاقی قانون مدنی معارض نیست؛ چرا که تبصره اخیر (برخلاف تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی) مربوط به پس از طلاق است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در نهایت، در مواردی که اجبار زوج بر ایفای حقوق واجبه زوجه ممکن نباشد و دستورات آمرانه و تحکم‌آمیز زوج استمرار یابد، به نحوی که عرفاً و عادتاً، تداوم زندگی را برای زوجه با مشقّت فاحش همراه سازد، به حکم قاعده ثانوی عسر و حرج و ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، زوجه می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسّر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

مفاد قاعده نفی عسر و حرج همانند قاعده لاضرر، نفی نفس حکم حرجی است . در واقع این معنی در قاعده مورد بحث، مؤدای آیه شریفه ۷۸ سوره حج است «وَما جَعَلَ عَلَیکُم فِی الدّینِ مِن حَرَجٍ» و این احتمال که مفاد قاعده، دلالت بر نهی دارد (نه به نفی که قهرا معنایش حرمت فعل می‌شود) بعید از مساق آیه شریفه می‌باشد یا دست کم در مورد ادله نفی حرج پذیرفته نیست؛ زیرا ظاهر آیه، ظهور در نفی، به معنی حقیقی خود دارد؛ مگر اینکه مبنای قاعده نفی عسر و حرج را نیز حدیث لاضرر بدانیم (محقق داماد ۱۳۸۰، ۹۴). لذا بر اساس این قاعده، حکم دوام زوجیتِ معسور، مرتفع خواهد بود.

۳- دستاویز قرار دادن ماده ۱۱۰۵ برای نقض حریم خصوصی

این تصور که زن و شوهر بدلیل رابطه‌ای که پس از نکاح برقرار می‌شود، نسبت به یکدیگر حریم خصوصی ندارند، تصوری بس اشتباه است. حریم خصوصی حقی است مبتنی بر کرامت ذاتی انسان و عقد نکاح هر چند ممکن است دایره آن را محدودتر نماید لیکن توانِ از بین بردن آن را ندارد. به نظر می‌رسد تعبیر سلطه‌آمیز از ریاست شوهر، در مواردی می‌تواند موجب نقضِ حریم خصوصی گردد.

علی‌رغم اینکه حق حریم خصوصی به عنوان یکی از ملموس‌ترین حقوق، برای هر فردی شناخته شده است، اما تا بدین هنگام حقوق‌دانان نتوانسته‌اند به تعریف واحدی دست یابند. به دیگر معنا تعریفی که با پذیرش عمومی مواجه باشد وجود ندارد (انصاری ۱۳۸۶، ۱۹-۱۱) و به اذعان برخی از این صاحب نظران، تعریف مورد وفاق و اجماع از این اصطلاح بسیار دشوار است. با وجود این، نویسندگان و صاحب نظران با توجه به بنیان‌های فکری خود برای حریم خصوصی تعاریف متعدد و متنوعی ارائه کرده‌اند؛ از جمله اینکه برخی از اندیشمندان در یک تعریف کلی حریم خصوصی را به معنای حق داشتن یک چارچوب محافظت شده دانسته که فرد در آن خودمختاری شخصی داشته و دیگران اعم از دولت و اشخاص حق مداخله در آن را ندارند. حقوق‌دان دیگری نیز معتقد است: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند» (انصاری ۱۳۸۶، ۳۴). به طور کلی به نظر می‌رسد مفهوم حریم خصوصی با فرهنگ حاکم بر جامعه و نوع رژیم سیاسی حاکم بر آن جامعه مرتبط باشد، به طوری که این مفهوم بسته به تغییر و تحول در مؤلفه‌های فوق می‌تواند مضیق یا موسع باشد. بدین معنا که چه بسا مسائلی در گذشته از موارد حریم خصوصی نبود، اما امروزه داخل در مفهوم حریم خصوصی شده باشد و بالعکس. با این توصیف

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

می‌توان دریافت که مفهوم حریم خصوصی امری نسبی است. از این‌روست که برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «حدود و مرز این حریم که افراد انتظار حمایت از آن را دارند بسته به آن است که در کجا قرار داشته باشد و جامعه چه هنجارهایی را برای آن مکان تجویز کرده باشد».

این ضابطه در خانواده و در روابط همسران نیز وجود داشته و بسته به جامعه‌ی مردسالار، زن‌سالار یا متعادل حدود و ثغور مفهوم حریم خصوصی متفاوت خواهد بود. در هر صورت می‌توان این مفهوم را در روابط زوجین این‌گونه تعریف کرد: «گستره‌ای از اطلاعات، ارتباطات و جسم هر یک از زوجین است که یا به حسب انتظار متعارف زوجین یا به حکم قانون انتظار دارد دیگری آن را نظارت، دسترسی و مشاهده نکرده و به آن تعرض نکند».

در روابط اعضای خانواده دو جلوه از حریم خصوصی، یکی حریم زوجین و دیگری حریم فرزندان مشاهده می‌شود. با واکاوی روابط همسران و به مقتضای موضوع پژوهش می‌توان در گستره‌ی زناشویی دو نوع حریم را متصور دانست؛ ابتدا حریمی که زن و شوهر نسبت به دیگران دارند و افراد دیگر حق ورود بدون اجازه به این حریم را ندارند. دو حریمی که هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند و برای ورود به آن حریم باید اذن ورود داشته باشند. منظور از حریم در روابط زوجین در این نوشتار، مفهوم اخیر است.

با تحلیل حریم خصوصی می‌توان پی برد که این حریم دو هسته‌ی اصلی دارد؛ اولین هسته‌ی آن آزادی است که شخص در آن توانایی انجام دادن کاری را دارد و دیگری مصونیت است که دیگران را از تعرض و ورود به آن باز می‌دارد. با توجه به این دو بعد می‌توان مصادیق این حق را شناسایی کرد. البته مصادیق این حق با توجه به شرایط اجتماعی و تفاوت در فرهنگ‌ها متنوع می‌شوند و در گذر زمان و با رشد و پیشرفت تکنولوژی ممکن است مصادیق جدیدی برای آن به وجود آید. همچنین برای شناسایی مصادیق این حق باید به هر دو ضابطه‌ی نوعی و شخصی توجه کرد، بدین معنا که هم جنبه‌هایی از زندگی انسان‌ها که نوعاً انسان آن را حریم فرض می‌کند، جزء مصادیق حریم خصوصی‌اند؛ هم مصادیقی که شخص فارغ از اینکه دیگران آن را حریم متصور می‌دانند یا نه، جزء مسائل شخصی و داخل در قلمرو حریم خصوصی است (انصاری ۱۳۸۶، ۳۸). این مسئله و همچنین تنوع و تفاوت فرهنگی و اجتماعی باعث شده که حقوق‌دانان در شناسایی و شمارش مصادیق حریم خصوصی هم‌نظر نباشند.

با تدقیق در این مصادیق و دیدگاه حقوق‌دانان می‌توان گفت انتظار افراد مبنی بر اینکه در محدوده‌ای از زندگی شخصی خود، بدون دخالت دیگران و در امنیت و آرامش بسر ببرند، توقعی منطقی است. توجه به این حریم، در موارد مختلفی متصور است که به طور کلی حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی ارتباطات چهار مقوله‌ی مهم و مطرح احترام به حریم خصوصی دیگران است و از میان این مصادیق می‌توان سه مصداق حریم اطلاعاتی، ارتباطی و جسمانی را برای هر یک از زوجین حریم خصوصی تلقی کرد. از آنجا که در روابط زوجین، حریم مکانی منزلت و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

جایگاه ندارد، از سایر مصادیق کلی خارج شده و سه مصداق فوق در گستره‌ی روابط آنان واکاوی می‌شود.

حریم اطلاعاتی: حریم اطلاعات عبارت از حق اولیه‌ی افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به شخص، مگر در موارد مصرح قانونی است. به نظر می‌رسد داده‌های شخصی شامل تمامی مشخصات و اطلاعات شخص اعم از اطلاعات مالی، اطلاعات مربوط به سلامت جسمانی و روانی، عقاید دینی و.. باشد. تا جایی که این داده‌ها با آزادی، استقلال و کرامت انسانی مرتبط است (انصاری ۱۳۸۶، ۲۶۴).

با کنکاش در روابط زوجین در این خصوص باید گفت: «اگرچه روابط عاطفی عمیق میان زوجین امکان دستیابی به اطلاعات شخصی هر یک از همسران را در برابر دیگری سهل و هموار می‌سازد، اما چه بسا جست‌وجو در این اطلاعات از سوی زوج یا زوجه واکنش همسر را در پی داشته و رفته‌رفته بذر بی‌اعتمادی را در این خانواده بکارد». بنابراین بایسته است رازهای شخصی زوجین و زندگی خصوصی دوستان و آشنایان هر کدام از دو همسر جزء حریم اطلاعاتی هر یک از آنها قلمداد شود و در نتیجه لازم نیست نزد همسر بیان شوند. مواردی مانند پس انداز مالی همسران پیش از بستن پیمان زناشویی و نیز میراث خانوادگی آنها، جزء داشته‌های شخصی و خصوصی هر کدام از همسران است و نیازی به اشتراک گذاشتن آنها با یکدیگر نیست، اما این حریم درباره‌ی درآمد ماهانه‌ی زوج نمی‌تواند پابرجا باشد چرا که درآمد زوج مبنای نفقه‌ی زوجه است. بنابراین داده‌های مالی شخصی، داده‌های رایانه‌ای و تلفن همراه و مانند آن، اطلاعات شخصی هر یک از زوجین پیش از ازدواج و.. می‌تواند در روابط همسران حریم اطلاعاتی تلقی شود.

حریم جسمانی: حق اشخاص در حمایت و مصون از تعرض بودن تمامیت جسمانی و بدنی؛ از جمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و همچنین مشخصات و خصوصیات محرمانه‌ی بدنی آنها حریم جسمانی نامیده می‌شود. بنابراین مصداق فوق در خصوص حمایت و حفاظت از تمامیت جسمانی و اطلاعات مربوط به سلامتی انسان است؛ چرا که هر انسان به طور طبیعی بر بدن و جسم خویش سلطه دارد و به طور فطری خواستار آزادی آن و رعایت حرمت آن است. از مصادیق این نوع از حریم در روابط زوجین می‌توان به مواردی همچون ملزم نبودن هر یک از همسران به انجام دادن فعالیت‌های ورزشی و مراقبت‌های تغذیه‌ای خاص بدون آنکه این امور در سلامت فرد تأثیر داشته باشد، اشاره کرد.

لازم به توضیح است، هرگاه این امور، سلامت هر یک از همسران و زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار دهد، خارج از حیطه‌ی حریم خصوصی است.

حریم ارتباطات: عبارت است از حق اشخاص در امنیت و محرمانه ماندن محتوای کلی هی اشکال و صور مراسلات و مخابرات متعلق به افراد و اطلاعات مربوط به آن (همان) تا جایی که این ارتباط‌ها به زندگی مشترک مربوط نباشد. این مقوله از حریم خصوصی، به طور کلی امنیت پست‌های الکترونیک، تلفن، پست

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

و سایر اشکال ارتباطات را عهده‌دار است. متفاهم عرفی از حریم ارتباطات، شامل ابزارهای جدید چون شبکه‌های اجتماعی که مصادیق عرفی ارتباطات محسوب می‌شوند نیز هست. با تدقیق در تعریف فوق این نکته نمایان می‌شود که این تعریف ارتباطات مجازی و الکترونیکی را دربرمی‌گیرد، در صورتی که «بند ۷ ماده‌ی ۱ لایحه حریم خصوصی» با تفسیری عام کلیه‌ی اشکال ارتباط افراد در جامعه از جمله ارتباط‌های حضوری را شامل می‌شد. بنابراین می‌توان گفت: «دامنه‌ی چنین حریمی شامل امنیت پست‌های الکترونیک، پست، اینترنت و کلیه‌ی انواع ارتباطات، اعم از مستقیم و غیرمستقیم، حضوری، مکتوب یا تلفیقی از آنها می‌شود. این نوع حریم خصوصی در باب همسران می‌تواند به ابعادی از شخصی بودن ارتباط‌های هر یک از زوجین با سایر افراد جامعه اطلاق شود، به طوری که انواع ارتباطات انسانی اعم از باواسطه یا بی‌واسطه را شامل شده و ارتباطات فیزیکی- حضوری و الکترونیکی و غیرمرتبط با زندگی مشترک را تحت لوای خود قرار دهد. هر چند با توجه به وابستگی و همبستگی زوجین شایسته است با در دسترس گذاشتن انواع ارتباطات مجازی چون تلفن همراه، پست الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و مانند آن، همین‌طور ارتباطات حضوری برای همسر - و نه لزوما به اشتراک گذاشتن آنها- بخشی از فرآیند اعتماد سازی و تعهد را به نمایش گذاشت.

ریاست و سرپرستی خانواده با زوج است. البته گستره‌ی ریاست شوهر فقط امور مربوط به خانواده و مصالح آن را شامل می‌شود (مقدادی ۱۳۸۵، ۱۱۶). با عنایت به نکات فوق و با تعبیر ریاست زوج به عنوان یک وظیفه و تکلیف برای شوهر از سوی فقها و حقوق‌دانان، برای بقاء نظم در خانواده و پایداری آن می‌توان گفت در مواردی ایفای این وظیفه از جانب زوج با حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه تزاحم یافته، اعمال هر دو با یکدیگر نامقدور خواهد بود. با این توضیح که زوج بنا به سرپرستی خویش حق خود می‌داند که اطلاعات شخصی زوجه را پایش، جست‌وجو و رهگیری کند؛ از سویی دیگر زوجه نیز با استناد به حریم خصوصی اطلاعاتی خود مانع کاوش زوج خواهد شد یا در فرض دیگر زوج با اعتقاد به ریاست خویش بر خانواده خواستار تجسس در انواع ارتباطات همسر خویش از جمله ارتباطات مجازی و حضوری شده و در مقابل زوجه حریم ارتباطی خود را نقض شده می‌یابد. حال در چنین فرضی کدام یک بر دیگری تقدم می‌یابد؟ در پاسخ، مسئله از زوایای مختلف پردازش می‌شود:

انسان اجتماعی آفریده شده و به ارتباط با دیگران متمایل است، به طوری که می‌توان گفت ارتباط با آحاد انسانی از حقوق هر انسانی است. با این بیان زوجه نیز از این امر مستثنا نخواهد بود. به خصوص امروزه در عصر دیجیتال و با رشد فناوری، علاوه بر ارتباطات حضوری- کلامی، انواع ارتباطات مجازی از جمله پست‌های الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و... رایج شده است. بنابراین با توجه به مدنی‌الطبع بودن زوجه و به دلالت عقلی آن نمی‌توان به طور مطلق ریاست شوهر را دلیل پایش و جست‌وجو در حریم ارتباطی زوجه دانست. از سویی دیگر، قیمومت مرد بر همسرش به این معنا نیست که از اراده‌ی زن و تصرفات وی در اموالش سلب آزادی بکند. یا اینکه در حفظ حقوق فردی و اجتماعی زن و دفاع از منافعش استقلال

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

زوجه را سلب کند، بلکه زوجه همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع کند و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند، متوسل شود. به عبارت دیگر اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی‌اش مختل شود. افزون بر آن دامنه‌ی ریاست شوهر در امور غیرمالی چون حریم خصوصی از دو جهت به مصلحت اندیشی و مراعات حقوق و آزادی‌های شرعی و قانونی زن محصور می‌شود (مقدادی ۱۳۸۵، ۱۲۹). با این توصیف از آنجا که ریاست خانواده مقامی است که برای تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و یک امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود (صفایی و امامی ۱۳۸۵، ۱۲۰) و از سوی دیگر ریاست زوج تنها به زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده محدود می‌شود و هیچ‌گاه متعرض حقوق و آزاد یهای مشروع زن و محدوده‌ی استقلال او نمی‌شود.

٤- استهزاء و اجبار به سوء رفتار

ممکن است ماده ۱۱۰۵ باعث بوجود آمدن این توهم شود که شوهر می‌تواند هر تکلیفی را از زن بخواهد و خود در مقابل مسئولیت‌های موجود پاسخگو نباشد.

بر اساس ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در برابر یکدیگر برقرار می‌گردد و رعایت آن از سوی هر دو طرف الزامی است. به استناد مفهوم مخالف ماده ۱۱۰۳ همین قانون، سوء معاشرت و سوء رفتار از جمله مواردی است که نقض تکالیف بین زن و شوهر به شمار می‌رود. بر این اساس، اجبار زن به استعمال الفاظ رکیک و کلمات قبیح و ناپسند، به عنوان مصداقی از خشونت جنسی کلامی علیه همسر، داخل در اطلاق سوء معاشرت خواهد بود که می‌توان آن را هم در حین رابطه زناشویی متصور شد و هم در مسائل غیرزناشویی؛ نظیر استعمال الفاظ ناپسند علیه بستگان درجه یک یا اقوام همسر.

قوانین حقوقی داخلی در این مورد خاص، ورود نکرده‌اند ولی منطبق با اصل دوم قانون اساسی ایران که اعلام می‌دارد: جمهوری اسلامی، نظامی مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسان است؛ و موافق با ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوجه در این موارد می تواند دادخواست الزام شوهر به رعایت حسن معاشرت به دادگاه تسلیم نماید و از ادامه سوء معاشرت زوج، ممانعت به عمل آورد. علاوه بر این، بر اساس ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا هر عقد لازم دیگر (شرط) بنمایند. مثل این که شرط شود هرگاه شوهر، زن دیگری بگیرد... یا سوءرفتاری نماید که زندگی شان را غیرقابل تحمل نماید، زن وکیل و وکیلِ در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی، خود را مطلقه سازد (ره‌کشای ۱۳۹۵، ۱۴۱-۱۴۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در صورت شکایت کیفری نیز، حداقل، زوج به سبب فراهم نمودن موجبات آزار و اذیتِ مسلمان، محکوم به تعزیر خواهد شد. زیرا از روایتی که درباره‌ی هجو و تمسخر دیگری وارد شده و هجوکننده را مستحق تعزیر اعلام داشته، استفاده می‌شود که هر آنچه موجب آزار و اذیت مسلمان شود و مستلزم حد نباشد، مستوجب تعزیر است (محقق داماد ۱۳۸۰، ۴-۲۴۲).

۵- تجاوز سفید

مسئله تجاوز سفید از مباحثی است که در حقوق داخلی مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته یا توجه حداقلی به آن شده است (صرفاً در صورت ابتلای زن به بیماری) لیکن این امر در حقوق اکثر کشورها بالاخص انگلستان مورد توجه می‌باشد. ریاست شوهر و آثار ناشی از آن ممکن است دست‌آویزی برای تجاوز در قالب عقد ازدواج قرار گیرد. در توضیحی کوتاه می‌توان تجاوز سفید را اصرار به ایجاد، شروع و ادامه رابطه جنسی با همسر بدون رضایت او دانست.

٦- نتیجه گیری

خشونت خانگی موضوعی پیچیده، با آمار سیاه (پنهان) زیاد و متغیرها و مولفه‌های تاثیرگذار بسیاری است که در این پژوهش از جنبه مذکور مورد مطالعه قرار گرفت. در رابطه با امکانِ ایجاد محدودیتِ مطلق شغلی برای زوجه، با توجه به اقوال ارائه شده در این زمینه، باید گفت حق اشتغال حقی است مبتنی بر شخصیت انسانی که به هیچ وجه قابل خدشه بواسطه شخص دیگر نمی‌باشد. لیکن در صورتی که مرد شغل زوجه را منافی با مبانی خانواده خودببیند و این برداشت صحیح یا قابل اثبات باشد، می‌تواند از اشتغال زوجه ممانعت به عمل آورد. معضل بزرگ در این زمینه تعبیر مبهم و وسیعِ «شغل منافی» می‌باشد. لذا در این حیطه دقت قضایی و وجدان بیدار قاضی اصلی‌ترین یاری دهنده زوجه در دعوای مربوطه است. متاسفانه مشاهده می‌گردد گاهاً شوهران بدون هیچ ادله قانونی با مراجعه به محل اشتغال همسر و ایجاد مزاحمت توأم با وهن قصدِ ایجاد ممانعت در اشتغال را به بهانه‌ی اختیارات ناشی از ریاست دارند. و شاید این کج فهمی از ماده ۱۱۰۵ یکی از آثارِ سوءِ فرهنگی ناشی از آن باشد.

در رابطه با رفتار تحکم‌آمیز و تحقیر زن باید گفت که این عمل در دسته جرائم علیه شخصیت معنوی افراد و مطلقاً ممنوع می‌باشد. حال آنکه سوء تعبیر از ماده ۱۱۰۵ می‌تواند منجر به ارتکاب این عمل شود. منع آمد و شد زن یکی از خطیرترین سوء استفاده‌ها از ماده ۱۱۰۵ می‌باشد قانونگذار در مفاد مختلف بارها بر آزادی تنِ افراد تاکید نموده است. و طبق آنچه در متن تحقیق ارائه گردید حتی در بدترین حالت شوهر مجوزی برای حبس زن دارد و نهایت عقوبت صورت گرفته در صورتِ خروج زن از منزل، نشوز او می‌باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در رابطه با امکان کامجویی جنسی برخلاف خواستِ زوجه متاسفانه فقر و خلاء قوانین حمایتی بوضوح محسوس می‌باشد. حال آنکه این عمل علاوه بر آنکه در برخی کشورها جرم است؛ دارای آثار روانی سوء بر زوجه می‌باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

ـ الصباغ، د. لیلی. (۱۹۷۵). المرأه فی التاریخ العربی، دمشق: وزارت فرهنگ و ارشاد ملی.

ـ القاسمی، ظاهر. (۱۹۷۸). نظام الحکم فی الشریعه و التاریخ الاسلامی، السطه القضائیه، بیروت: دارالنفانس.

ـ حکیم‌پور، محمد. (۱۳۸۴). حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، چاپ ۲، تهران: نغمه نواندیش

ـ دیلمی، حسن ابن محمد. (۱۳۷۴). ارشاد القلوب، ترجمه سید عباس طباطبایی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ـ ره‌کشای، حمیده. (۱۳۹۵). نقش مداخله دولت‌ها در خشونت خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال ۲، شماره ۴.

ـ صفایی، سیدحسین. امامی، اسدالله. (۱۳۸۵). مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان.

ـ طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۲۷ ق). العروه الوثقی، ج ۴، قم: منشورات میثم تمار

ـ طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۲۷ ق). العروه الوثقی، ج ۴، قم: منشورات میثم تمار.

ـ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن.، (۱۴۱۶ق). الخلاف، ج ۳، قم: موسسه‌ی نشر اسلامی

ـ محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۰). بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم انسانی.

ـ مرادی، خدیجه. قاسم‌زاده، عاتکه. (۱۳۹۴). اجرت‌المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۸، شماره ۲.

ـ مقدادی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). ریاست خانواده (بررسی ماده ۱۱۰۵ ق.م)، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

ـ هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۸۶). ضوابط شرعی اشتغال بانوان، پیام حوزه

ـ ـــــــــــــــ (۱۳۷۱). صحیفه‌ی نور، ج ۶ و ۱۸، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]